



## تکلیف حقیقت در رویکردهای جدید فلسفه دین چه می‌شود

رسول رسولی‌پور ضمن اشاره به اینکه در رویکردهای جدید فلسفه دین به جای امور نظری و آموزه‌ای به اعمال دینی...

رسول رسولی‌پور ضمن اشاره به اینکه در رویکردهای جدید فلسفه دین به جای امور نظری و آموزه‌ای به اعمال دینی همانند مراقبه، ریاضت، صیافت، سماع و مراسمات مذهبی توجه می‌شود تصریح کرد: شیلبراک می‌گوید اگر کسی به این پروژه یعنی پروژه گسترش مسائل فلسفه دین وفادار باشد، صحبت از صدق و تضمین عمل بی معنا می‌شود، چون در سماع یا زیارت یا صیافت ابعاد و کارکردهای جامعه شناختی و روان شناختی فراوانی وجود دارد که متدینین آن را احساس می‌کنند.

به گزارش ایکننا، نخستین روز از مدرسه زمستانی فلسفه دین با عنوان «آینده فلسفه دین و امکانات پیش رو» صبح امروز، پنجم دی ماه به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

رسول رسولی‌پور، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی در این نشست در سخنانی گفت: فلسفه دین به شکل سنتی صرفاً به مسائل روتینی مثل براهین اثبات وجود خدا، مسئله شر، تجربه دینی، رابطه علم و دین و ... می‌پردازد و کاملاً تحت سلطه فلسفه تحلیلی و خوانش فیلسوفانی با رویکرد تحلیلی است. هدف آن هم اثبات وجود واقعیتی الهی است، اما این هدف مشخص و سرفصل‌های روتین آن سه مشکل برای فلسفه دین در آکادمی‌ها ایجاد کرده است. مشکل اول این است که فلسفه دین، فقط ناظر به اثبات وجود واقعیتی الهی است و ما احساس می‌کنیم داریم به پایان مسائل و موضوعات می‌رسیم. در فلسفه دین کنونی صرفاً راه‌هایی در جهت اثبات واقعیت الهی پیشنهاد شده است و به نظر می‌رسد ما در این حوزه دچار نوعی تکرار شدیم و به یک بسندگی در ارائه ادله در اثبات وجود خدا یا تکافو ادله رسیدیم و این مشکلی جدی برای فلسفه دین است و از نوعی مرگ زودرس خبر می‌دهد. یکی از راه‌ها که می‌شود فلسفه دین از مسائل روتین دربیاید این است که فیلسوفان دین به زوایای واقعی‌تر و انسانی‌تر در فلسفه دین توجه کنند. پس مشکل اول این است که مسائل و غایت فلسفه دین تثبیت شده است و ما باید راه‌هایی را برای برون رفت از این تکرار و ایستایی بجوییم.

وی ادامه داد: مشکل دوم این است که فلسفه دین رایج به شدت غربی- مسیحی است. کتاب‌هایی که در این حوزه نوشته شده از کتاب بهزاد سالکی که اولین کتاب در حوزه فلسفه دین را ترجمه کرد تا امروز که آثاری را در تهران و قم به شکل تطبیقی می‌بینیم و مسائل اسلامی و بومی هم وارد آن شده است، باز غلبه و سلطه در مسائل و مباحث با رویکرد غربی- مسیحی است و به همین خاطر فلسفه دین کم‌ربط یا بی‌ربط با ادیان دیگر است و به ادیان شرقی پرداخته نمی‌شود، این چالش دوم فلسفه دین است. مشکل سوم فراروی این است که فلسفه دین به شدت برهانی و استدلالی است. لازم است در کنار اثبات وجود خدا از طریق استدلال، ساحت‌های دیگری از تجربه زیسته بشر و دینداران افزوده شود و دیده شود. این سه چالش راه را برای توسعه دیسیپلین فلسفه دین گشوده است تا فلسفه دین در تعاطی با مطالعات دینی، روانشناسی و جامعه‌شناسی خودش را از مهلکه این سه چالش جدی رها کند.

سه رویکرد پیشنهادی شیلبراک برای تحلیل عمل دینی

رسولی‌پور در ادامه به توضیح درباره اندیشه کوین شیلبراک درباره عمل دینی پرداخت و گفت: شیلبراک بررسی کرده عمل دینی چگونه باید خوانده و فهمیده شود. او در این زمینه سه رویکرد را مطرح کرده است که عمل دینی می‌تواند با این سه رویکرد معانی مختلفی پیدا کند. رویکرد اول رویکرد هرمنوتیکی است. رویکرد دوم رویکرد فوکو است. رویکرد سوم که برگرفته از پدیدارشناسی فرانسوی است، رویکرد بدنی است. پس شیلبراک سه رویکرد را در تحلیل عمل دینی مورد توجه قرار داده است. ادعای آقای شیلبراک این است که علی‌رغم اختلافاتی که این سه رویکرد با هم دارند می‌توانیم این سه را با همدیگر ترکیب کنیم و به عنوان رویکرد مکمل در شکل دهی سایزکنتیویتی فرد دیندار لحاظ کنیم. آنچه مورد نظر شیلبراک بوده این است که عمل دینی می‌تواند چه نقشی در فرد دیندار داشته باشد. رویکرد هرمنوتیکی می‌خواهد بگوید عمل دینی یک تکست است و باید عمل را تحلیل مفهومی کنیم و از آن عمل برداشت خودمان را بیان کنیم. پس خود عمل مهم نیست، مثلاً مهم نیست در نماز چه حرکتی صورت می‌گیرد، بلکه آنچه مهم است این است که این عمل چه متن و معنایی را بیان می‌کند.

پژوهشگر فلسفه دین ادامه داد: نگاه دوم به عمل دینی نگاهی است که فوکو دارد و آن این است که به عمل دینی به عنوان محصول قدرت و نیروی اجتماعی نگاه کنیم، یعنی نه صرفاً به پیامی که آن فعل دارد، بلکه به تاثیری که در خود مشارکت‌کننده می‌گذارد توجه کنیم. این نگاه دوم به عمل دینی است. در یک رویکرد نفس عمل بازخوانی می‌شود و به خود عمل کاری نداریم، در نگاه دوم بر تاثیر عمل بر مشارکت‌کننده توجه می‌شود، اما رویکرد سوم این است که خود عمل هویت مستقل دارد. خود این

حرکت یک هویت مستقل دارد. اعمال دینی ما برای تاباندن معنا به جهان نیستند بلکه خودشان هویت مستقل دارند. شیلبراک معتقد است عمل دینی هم باید به عنوان تکست و هم از جهت تاثیر آن بر مشارکت کننده و هم خود عمل به عنوان بخشی از هویت ما دیده شود و این نیازمند به دیده شدن بدن است، چون آنچه در عمل دینی حرکت می کند بدن است. تکلیف حقیقت چه می شود

وی افزود: فلسفه دین باید علاوه بر امور نظری و آموزه ای، به اموری مانند مراقبه و ریاضت و مراسمات مذهبی و ... توسعه پیدا کند. در فلسفه دین صرفاً دنبال تکست یا متونی که بررسی کنیم نیستیم بلکه می توانیم سماع یا ضیافت یا نذر را هم بررسی کنیم. این امر موجب توسعه موضوع فلسفه دین از متن فلسفی و آموزه ای به ساحت های عملی است. این نگاه دو فایده دارد یکی اینکه ما را به واقعیت های اجتماعی نزدیک می کند، دوم اینکه ما را از حصار مباحث نظری قدیمی که فقط خوانش فلسفی از متون داشتند به ساحت های مطالعات تاریخی و روانشناختی می کشاند. در این توسعه مسائل، دغدغه اصلی این است که حقیقت چه می شود. به عنوان مثال حقیقت و صدق سماع کجاست و آیا این حرکات بهره ای از صدق و حقیقت برده است؟ شیلبراک می گوید اگر کسی به این پروژه یعنی پروژه گسترش مسائل فلسفه دین وفادار باشد، صحبت از صدق و تضمین عمل بی معنا می شود، چون در سماع یا زیارت یا ضیافت ابعاد و کارکردهای جامعه شناختی و روان شناختی فراوانی وجود دارد که متدینین آن را احساس می کنند. به جای اینکه ذهنمان مشغول شود آیا سماع یا نماز حقیقت دارد یا نه، توجه بیشتری به آثار حقیقی که این اعمال روی شخصیت فرد دیندار می گذارد داشته باشیم.

تحول فلسفه دین در قرن بیست و یکم

در بخشی از این نشست محمد لگنهاوزن، عضو هیئت علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) گفت: ما می توانیم فلسفه دین را بر اساس رشته های مختلف درون فلسفه مثل معرفت شناسی، فلسفه زبان و اخلاق و ... تقسیم بندی کنیم ولی من در بحث امروز بیشتر بر معرفت شناسی متمرکز می شوم. خود معرفت شناسی از قرن بیستم تا قرن بیست و یکم عوض شده است. در قرن بیستم مباحثی همانند تعریف معرفت، نزاع درباره مبنای گرایشی و انسجام گرایشی، نظریه هایی درباره توجیه و اینکه یک باور در چه شرایطی مواجه است، تجربه دینی و ساختارگرایی در فلسفه دین، در معرفت شناسی مطرح بود. در قرن بیست و یکم یک تعداد از موضوعات جدید همانند معرفت شناسی بر اساس فضیلت یا ارتباط معرفت با موضوع عواطف پدید آمد. این موضوعات جدید در معرفت شناسی پدید آمدند و الآن مورد توجه هستند. خیلی از این موضوعات جدید در معرفت شناسی هنوز در فلسفه دین عکس العمل پیدا نکردند. احتمالاً وقتی قرن بیست و یکم ادامه پیدا می کند این موضوعات جدید بیشتر در معرفت شناسی مورد توجه فیلسوفان دین قرار می گیرد.

وی افزود: برخی موضوعات مورد بحث در قرن بیستم، در قرن بیست و یکم ادامه پیدا کرد ولی جهات جدید پیش آمد که دو مثال از آن ذکر می کنم. یکی موضوع تجربی دینی است. این موضوع معمولاً به کتاب ویلیام جیمز برمی گردد. در فلسفه دین جدید بحث تجربه دینی را به مسائلی مانند مراسم دینی و مخفی بودن خدا مرتبط می کنند. موضوع دوم مربوط به ویتگنشتاین است. ویتگنشتاین گفت برخی قضیه ها نقش لولای در را دارد و باید سر جایش بماند تا این در حرکت کند. ایشان گفت برخی از این قضاها که در فلسفه سنتی بدیهی هستند برهان نمی خواهد، بلکه آنها باید سر جایش بماند تا وارد معرفت شناسی شویم.